

بررسی وضعیت دینی - مذهبی عصر امام جواد (ع) با تکیه بر آثار و اندیشه کلامی

اصحاب ایرانی آن حضرت

اصغر منتظر القائم^۱

محمدعلی چلونگر^۲

فرشته بوسعیدی^۳

چکیده

امامان شیعه، به اقتضای اوضاع اجتماعی حاکم بر جامعه، برنامه‌ای برای ارشاد و جریان فکری و فرهنگی جامعه و نیز گسترش تشیع در مناطق اسلامی در نظر گرفتند و برای این اهداف، به تربیت شاگردان برجسته بسیاری همت گماشتند تا پس از ایشان، کاروان تشیع را به سوی پرستش خداوند و برپایی تمدن واقعی اسلامی رهنمون باشند. در این میان، امام جواد (ع) نیز برای نیل به مقاصد خویش، شاگردانی را تربیت کردند که از آن میان تعدادی ایرانی‌تبار بودند. این گروه با فراگیری علم کلام و برگزاری مناظره‌های کلامی، نقش مهمی در انتقال افکار و اندیشه‌های ناب شیعه و تثبیت مذهب تشیع در ایران ایفا کردند و در این زمینه، توانستند آثار ماندگاری را به وجود آورند. از آنجایی که علم کلام و مناظرات کلامی، نقش مهمی در غنای مذهب تشیع داشته است، در این پژوهش، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، در جست و جوی پاسخ به این پرسش هستیم که یاران ایرانی امام جواد (ع) چه جایگاه و نقشی در جریان‌های کلامی و مذهبی عصر آن حضرت داشتند؟

ص: ۳۰۵

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، یاران، ایرانی، علم کلام، تشیع.

مقدمه

^۱ . دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

^۲ . دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

^۳ . دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان - fboosaidi@yahoo.com.

در هر عصری، شایسته است که همواره جمعی از دانش‌طلبان علوم دینی با کسب توانایی و تخصص، در زمینه‌های مناظره، فلسفه و ...، با دلایل قاطع از باورهای دینی و اعتقادی شیعه، دفاع کنند. اول کسی که در مسائل عقلی اسلامی به تجزیه و تحلیل پرداخت و مسائلی مانند قدم و حدوث و متناهی و غیرمتناهی و جبر و اختیار و امثال آن‌ها را مطرح ساخت، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) بودند.^۴ هم‌چنین حضرت صادق (ع) برای دفاع از کیان اسلام و تشیع، به تربیت شاگردان متعدد در علم فقه و حدیث و نیز در فن مناظره اهتمام داشتند. در سده اول، دوم و سوم قمری، متکلمانی همچون: علی بن اسماعیل بن میثم تمار (اصالتاً ایرانی) که کتابی در مسائل نگاشت؛ هشام بن سالم جوزجانی از اصحاب امام صادق (ع)، محمد بن علی صاحب الطاق، هشام بن سالم و هشام بن حکم (از اصحاب امام رضا، امام جواد) را می‌توان نام برد.^۵ این اشخاص توانستند در شکوفایی این شاخه از علم اسلامی اثرگذار باشند و ادامه‌دهندگان راه آنان، شیعیان و اصحاب ۶ ایرانی ۷ امام جواد (ع) بودند. این پژوهش، به تحلیل و بررسی شخصیت کلامی این افراد می‌پردازد. در ضمن برای جلوگیری از تطور مطلب، از ذکر توضیحات اضافی درباره شخصیت‌ها خودداری می‌گردد و این جنبه از زندگی آن‌ها به پژوهش‌های بعدی موکول می‌شود.

ص: ۳۰۶

اوضاع سیاسی - مذهبی عصر امام جواد (ع)

بعد از شهادت امام رضا (ع)، از آنجایی که امام جواد (ع) در سنین خردسالی به مقام امامت نایل شدند، با مشکلات فراوانی مواجه بودند و کسانی چون واقفه و شاید طوایفی از اسماعیلیه بدین مشکلات دامن می‌زدند؛ ولی مرتبه ممتاز علمی و از سوی دیگر تصریح امام رضا (ع) به جانشینی ایشان، این اختلاف‌نظر به سرعت رخت از میان برپست و اکثریت شیعیان از امامت آن حضرت طرف‌داری کردند. دوران امامت ایشان هفده سال به طول انجامید که هم‌زمان با خلافت مأمون (۲۱۸-۱۹۶ ق)، معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ق) و واثق (۲۲۷-۲۳۲ ق) عباسی بود. امام جواد (ع) در طول این هفده سال، رهبری فکری و معنوی شیعیان را بر عهده داشتند و با تمام وجود، از مبانی اسلام دفاع کردند. با استقرار کامل امامت ایشان و فراگیر شدن آوازه علمی آن حضرت و شیفتگی مردم به آن امام همام، مأمون احساس خطر کرد.

^۴. نک: استاد مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام.

^۵. نک: حسینیان مقدم و دیگران، تاریخ تشیع (۲).

^۶. جمع «صاحب» در لغت به معنای یار، معاشر، همراه، همنشین، مالک و امثال آن آمده است. منظور از اصحاب در این نوشتار، آن دسته از افرادی هستند که در ارتباط مستقیم با اهل‌بیت (علیهم السلام) بودند و از نزدیک با ایشان حشرونشر داشتند و مدت زیادی همراه آنان بودند.

^۷. منظور هم کسانی است که در ایران متولد شده‌اند و هم کسانی که به ایران مهاجرت کرده و ایرانی شده‌اند مانند: خاندان اشعری.

^۸. این شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

از این روی، برای مقابله با هر رویداد ناگهانی، چاره‌ای اندیشید و آن حضرت را هنگامی که به سن بلوغ رسیدند، از مدینه به بغداد احضار کرد و دخترش ام‌الفضل را به ازدواج آن حضرت درآورد تا تحت مراقبت او باشد.^۹ امام جواد (ع) نخستین امامی بودند که در خردسالی به منصب امامت رسیدند. در آن مقطع زمانی، قدرت «معتزله» افزایش یافته بود و مکتب اعتزال به مرحله رواج و رونق گام نهاده بود و حکومت در آن زمان از آنان پشتیبانی می‌نمود و از سلطه و نفوذ خود و دیگر امکانات مادی و معنوی حکومتی، برای استواری و تثبیت خط فکری آنان و ضربه زدن به گروه‌های دیگر و تضعیف موقعیت و نفوذ آنان به هر شکلی بهره‌برداری می‌کرد. مأمون با همکاری معتزله، برای سنجش علمی امام به تشکیل جلسات علمی مبادرت ورزید. آن حضرت برای اثبات حق و درستی خود در این جلسات شرکت می‌کردند.^{۱۰} و در همه این بحث‌ها و مناظرات علمی، در پرتو علم امامت، با پاسخ‌های قاطع و

ص: ۳۰۷

روشن‌گر، هرگونه تردید را در مورد پیشوایی خود از بین می‌بردند و امامت خود و نیز اصل امامت را تثبیت می‌نمودند.

امام جواد (ع) پس از تثبیت امامت خود، با توجه به جو خفقان‌آور سیاسی، برای دفاع از کیان جامع تشیع از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند و در این راه به اقدامات اساسی دست زدند. از جمله مهم‌ترین اقدام فرهنگی امام جواد (ع) تربیت یارانی برجسته و موثق بود که دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند. این شاگردان از مناطق مختلف به خدمت امام (ع) می‌رسیدند و به فراگیری علوم دینی می‌پرداختند و یا با توجه به سؤالاتی که برای آن‌ها پیش می‌آمد، به امام مراجعه می‌کردند و امام با تشکیل محافل مختلف، به سؤالات ایشان در غالب روایات و گاهی نیز به صورت نامه‌نگاری به آن‌ها پاسخ می‌دادند. در رجال طوسی نام ۱۱۶ نفر از اصحاب امام جواد (ع) آمده است که ۳۷ نفر از آنان ایرانی بوده‌اند.^{۱۱} ولی با مراجعه به کتب رجال دیگر، در مجموع تعداد اصحاب ایرانی آن حضرت بالغ بر هفتاد نفر هستند که این رقم تعداد اصحاب امام نسبت به دوره قبل اندک است و می‌توان گفت: اوضاع اجتماعی - سیاسی زمان ائمه یک‌سان نبوده است؛ مثلاً در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) اوضاع اجتماعی مساعد بود؛ به همین جهت، تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق (ع) بالغ بر چهار هزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش‌یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق (ع) کاهش بسیار چشم‌گیری را نشان می‌دهد.

^۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۳؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۲.

^{۱۰}. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۷۴ - ۴۷۵.

^{۱۱}. ص ۳۹۸.

بنابراین اگر می‌خوانیم که تعداد راویان و اصحاب حضرت جواد (ع) قریب ۱۱۶ نفر بوده‌اند،^{۱۲} نباید تعجب کنیم، زیرا از یک‌سو، آن حضرت شدیداً تحت کنترل سیاسی بودند و از طرف دیگر، زود به شهادت

ص: ۳۰۸

رسیدند و به اتفاق دانشمندان بیش از ۲۵ سال عمر نکردند. در عین حال، باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب و راویان آن حضرت، شخصیت‌های درخشان و برجسته ایرانی مانند علی بن مهزیار، حسین بن سعید اهوازی و احمد بن محمد بن خالد برقی بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند و برخی دارای آثار متعدد بودند و توانستند با نقل روایت و نگارش آثاری که بیش‌تر دربرگیرنده مسائل کلامی و فقهی بود، نقش مهمی در انتقال افکار ائمه و پایداری تشیع ایفا کنند. با تبیین و بررسی شخصیت کلامی این اصحاب و نیز بررسی آثار آن‌ها، باید گفت که اوضاع دوران امامت امام جواد (ع) به دلیل گسترش فرهنگی در گرایش‌های اعتقادی و بحث‌های علمی که از برخورد میان مکتب‌های کلامی و تحولات فرهنگی مختلف ناشی شده بود، از ویژگی خاصی برخوردار است؛ از جمله:

۱. در این دوران، فعالیت جریان‌ها و مکتب‌های کلامی و عقیدتی گوناگونی چون معتزله، اشاعره، غلات، حشویه (افراطیان اهل حدیث)، اهل حدیث، واقفیه (گروهی که امامت علی بن موسی الرضا (ع) را نپذیرفتند و پس از شهادت پدر گرامی ایشان، در ولایت‌پذیری ائمه متوقف و در امامت و رهبری جامعه دچار ایستایی شدند)، مفوضه (یکی از فرقه‌های غالبان که برای امام جایگاه فرابشری قایلند)، قدریه (معتقدان به اختیار)، فطحیه (معتقدان به امامت عبدالله افطح فرزند امام جعفر صادق (ع))، جهمیّه (معتقدان به خلق قرآن، جبر و تأویل عقلی)، خوارج و مرجئه گسترش یافتند و پراکندگی آرای فراوانی در سطح فرهنگی جامعه پدید آمد. مباحثی کلامی چون جبر و تفویض، ممکن یا ناممکن بودن رؤیت خداوند، تجسیم و مباحثی از این قبیل، افکار عمومی جامعه را دست‌خوش تاخت‌وتازهای فکری کرده بود. در نتیجه، در این زمان، ائمه و یاران ایشان، برای دفاع از مبانی تشیع در مقابل این فرقه‌ها، به نگارش آثار کلامی دست زده و به برگزاری مناظره‌های کلامی مبادرت ورزیده‌اند.

۲. در این برهه زمانی، با رویکرد علمی و فرهنگی جدیدی از جانب دولت

ص: ۳۰۹

^{۱۲}. حسینیان مقدم، همان، ج ۲، ص ۳۳۸.

عباسی مواجه هستیم و آن هجوم فلسفه و کلام دیگر ملل به سوی جامعه مسلمانان است. دستگاه حکومتی، کتاب‌های علمی دانشمندان ملل دیگر را به عربی ترجمه می‌کرد و در اختیار مسلمانان می‌گذاشت. این روند از زمان مأمون آغاز شد و به تدریج ادامه یافت و به اوج خود رسید. او تلاش فراوانی در ترجمه کتاب‌های دیگر ملل، به ویژه یونان، ایران و هند داشت و بودجه بسیاری را در این راه هزینه کرد. همین امور باعث تشّست فکری میان مسلمانان شد. در نتیجه، اصحاب ایرانی امام جواد (ع) برای جلوگیری از انحراف فکری در میان مسلمانان، به هدایت فکری مردم به منظور دفاع از مبانی تشیع پرداختند. این موضوع، در واقع نشان دهنده دفاع از تشیع در برابر جریان‌ها و مکاتب اسلامی و مکاتب فلسفی غیراسلامی است.

۳. باید به این نکته توجه داشت که اصحاب ایرانی امام جواد (ع) برای دفاع از اصول کلی اندیشه‌های شیعی نیز به نگارش دست زده و به مناظرات کلامی پرداخته‌اند. از جمله اصولی که با توجه به وضعیت علمی و فرهنگی این زمان بیش‌تر مورد توجه بوده و آثار بیش‌تری در مورد آن‌ها به نگارش درآمده و مناظراتی در باب آن صورت گرفته، می‌توان به اصل توحید، نبوت و امامت اشاره کرد. در باب اصل امامت به مسأله غیبت و رجعت می‌توان اشاره کرد. از دیدگاه امامیه، دوازدهمین پیشوا مهدی موعود است که روزی ظهور خواهد کرد و جهان را به دادگری خواهد آکند. عقیده به رجعت نیز موضع شیعه را از دیگران متمایز می‌سازد؛ یعنی به اعتقاد امامیه، پس از آن‌که امام موعود ظهور می‌کنند و عدالت را در جهان حکم‌فرما می‌سازند، برخی از امامان و یا دیگر صالحانی که در روزگار خود ستم دیده‌اند، به جهان بازخواهند گشت و خداوند آنان را عزیز خواهد کرد و دشمنانشان را در برابر دیدگاه آنان به زبونی خواهد کشاند.

۴. رویکرد کلامی شیعه نیز هم شیعیان را ممتاز کرد و هم به طور نسبی اثر خود را بر سایر فرقه‌ها گذاشت. دو جریان مهم در تاریخ کلام در این برهه زمانی وجود داشت: اهل حدیث و معتزله (نص‌گرایان و عقل‌گرایان). جریان نص‌گرایی

ص: ۳۱۰

اساساً به عقل اعتنایی نداشت و می‌گفت: باید به ظاهر کتاب و سنت توسل کرد و ایمان آورد و عقل را در حوزه معارف دینی به کار نبرد. به اعتقاد آنان، هر کسی وارد تکلم و بحث در اعتقادات بشود، سر از کفر درمی‌آورد (من تکلم تزندق). نگاه دوم عقل‌گرایی بود؛ چون آن‌ها می‌دیدند روایات اهل سنت پر از روایات مجعول و اسرائیلیات است، نص را کنار گذاشتند و معتقد شدند که کار اعتقادات اساساً عقلی است؛ ظاهر قرآن حجت و یقین‌آور نیست و به روایات نیز نمی‌توان اعتماد کرد. این کاری بود که عقل‌گرایان نخستین و به دنبال آن معتزله انجام دادند؛ یعنی دو خط کاملاً متمایز و متقابل در اندیشه اهل سنت به وجود آمد. اما شیعه با هدایت اهل بیت (علیهم السلام) در جمع میان عقل و وحی، یک منطق تعادلی

عرضه کرد که کاملاً متمایز بود. این خط به اندیشه اهل بیت (علیهم السلام) منسوب است که در این زمان نیز امام جواد (ع) آن را دنبال کردند. همین شیوه کلامی بود که یاران ایرانی آن حضرت نیز آن را ادامه دادند؛ چنانکه کتابها و ردیه‌هایی بر اهل حدیث (حشویه) و معتزله به نگارش درآوردند و شیوه‌های کلامی آن‌ها را به چالش کشاندند. این گرایش تا حدودی در جهان اسلام مؤثر افتاد؛ به طوری که از قرن چهارم به بعد، دیگر نه آن اندیشه خشک عقل‌گرایی در جهان اسلام طرفدار داشت و نه آن جریان نص‌گرایی افراطی.

در ادامه، زیر نقش اصحاب ایرانی امام جواد (ع) در علم کلام بررسی می‌گردد.

۱. ابراهیم بن شیبه کاشانی اصفهانی (وفات: نامشخص)

ابراهیم بن شیبه، مولی بنی‌اسد و اصلش از کاشان بود. وی از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) به شمار می‌رفت.^{۱۳} وی از جمله محدثانی است^{۱۴} که احمد بن محمد بن نصرالبزنطی و موسی بن جعفر بن وهب از وی روایت کرده‌اند.^{۱۵} بنابراین ابراهیم دو شاگرد داشته که یکی از آن‌ها جزء اصحاب اجماع و بسیار

ص: ۳۱۱

جلیل‌القدر بوده است. وی طی نامه‌ای به امام هادی (ع)، از گروهی از بی‌دینان شکایت کرد که آثار فکری اسلام را درهم می‌کردند.^{۱۶} او در زمان امام هادی (ع) با غلات مقابله کرد. آنان احکام و موضوعات دینی را تحریف می‌کردند و موجب گمراهی و یا سرگردانی شیعیان می‌شدند. از جمله این اشخاص که ابن‌شیبه به مقابله آن‌ها پرداخت به علی بن حسکه و قاسم یقطینی می‌توان اشاره کرد.^{۱۷} ابراهیم در گزارشی، به برخی کزروی‌های آن عصر اشاره می‌کند، وی می‌گوید:

به امام هادی (ع) نامه نگاشته، عرض کردم: «فدایت گردم! در گرداگرد ما گروهی هستند که در شناخت فضیلت شما، با سخن‌های گوناگونی که جان انسان از آن‌ها تنفر دارد و سینه‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد، با یک‌دیگر اختلاف دارند و در مورد عقاید و نظریات خود روایاتی نقل می‌کنند که ما نمی‌توانیم به درستی آن‌ها اقرار و اعتراف کنیم؛ زیرا در آن‌ها

^{۱۳} . رجال طوسی، ص ۳۹۸.

^{۱۴} . خویی، معجم رجال‌الحديث، ج ۱، ص ۲۳۶.

^{۱۵} . طوسی، همان، ص ۳۹۸.

^{۱۶} . باقر شریف قرشی، زندگانی امام هادی (ع)، ص ۲۵۴.

^{۱۷} . محمدعلی عالمی دامغانی، شاگردان مکتب ائمه (علیهم السلام)، ج ۱، ص ۱۳-۱۲.

سخنان بزرگ و غلوآمیزی است. از سویی، به رد انکارشان هم نمی‌توانیم دست بزنیم؛ زیرا آن سخنان را به پدران شما نسبت می‌دهند. ازاین‌رو، ما در قبال آن‌ها توقف می‌کنیم. از جمله سخنان آن‌ها این است که این فرموده خداوند عزوجل (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) و (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ) را تأویل کرده، گویند: "صلات یعنی مردی به این نام، نه رکوع و سجود، و نیز زکات یعنی همان مرد، نه تعدادی از درهم‌ها و خارج ساختن مال"، و آن‌ها اعمالی از واجبات و سنت‌ها را که شبیه زکات است، هم‌چنین گناهان را تأویل می‌کنند. اگر صلاح می‌دانید، به دوستان خود منت گذارده سخنی بفرمایید که از تأویل و گفتارهای کفرآمیزی که آن‌ها را به هلاکت کشانده، ایمن گردند. متأسفانه کسانی که مطالب مزبور را می‌گویند، مدعی‌اند از جمله اولیا هستند و مردم را به طاعت خود دعوت می‌کنند؛ از جمله آن‌ها علی بن حسکه و قاسم یقطینی است. نظر شما درباره پذیرفتن عقاید آنان چیست؟» امام در پاسخ مرقوم فرمودند: "لیس هذا دیننا فاعتزله؛" ۱۸ «این

ص: ۳۱۲

پندارهای باطل جزء دین ما نیست؛ از آن‌ها کناره‌گیری کن».

در این گزارش از انحراف و باورهای افراطیان و بدعت‌گزاران و اهل هوا و دوری آنان از طریق اهل‌بیت عصمت و طهارت و کفر و انکار احکام شریعت سخن به میان آمده که نشان‌دهنده وضعیت بسیار نابه‌هنجار و فضای فرهنگی مسموم و آلوده آن عصر است. از سوی دیگر، این گزارش به ایمان و تقوای ابراهیم شبیه اشاره دارد؛ زیرا ابراهیم نه در آن حد از اعتلای علمی بود تا خود تشخیص دهد که روایات نقل شده از سوی کسانی چون قاسم باطل و جعلی است و نه می‌توانسته به انکار سخنان منحرفان بپردازد. به عبارت دیگر، تقوای وی چنین اجازه و جسارتی به او نمی‌داد. ازاین‌رو، برای رفع این معضل فکری، تنها به ائمه تمسک جست و از آنان استمداد طلبید تا از هلاکت و گمراهی نجات یابد. ابراهیم در زمان خود با فرقه‌های انحرافی به مقابله پرداخت و از اسلام ناب دفاع کرد، ولی در این زمینه اثری از وی بر جای نمانده است.

۲. احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد برقی قمی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)

^{۱۸}. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۱۷-۵۱۸.

شیخ طوسی وی را از جمله یاران امام جواد (ع) معرفی کرده است.^{۱۹} تاریخ ولادت وی دقیقاً معلوم نیست و حدود سال ۲۰۰ قمری نوشته‌اند.^{۲۰} کنیه او «اباجعفر» و اصلش کوفی وجدش محمد بن علی بوده است. محمد بن علی بعد از قتل زید (ع) توسط یوسف بن عمر زندانی شد و سپس به قتل رسید. نوه او خالد با سن کمی که داشت، با پدرش عبدالرحمان به سوی برق‌رود (نام روستایی در قم) فرار کردند.^{۲۱} احمد بن محمد بن خالد برقی به «صغیر» و پدرش به «کبیر» شهرت دارند.^{۲۲} برخی از شاگردان وی عبارتند از: بوعلی اشعری، احمد بن ادریس، احمد بن عبدالله، احمد بن محمد بن عبدالله، حسن بن متیل

ص: ۳۱۳

دقاق، حسین بن سعید، محمد بن یحیی و معلى بن محمد.^{۲۳}

روایت احمد از راویان ضعیف و اعتماد بر احادیث مرسل و موجب شد احمد بن محمد بن عیسی اشعری رییس محدثان قمی، او را از قم تبعید کند، اما پس از مدتی او را به قم بازگرداند و از وی پوزش خواست و حتی در مراسم تشییع جنازه برقی، پا برهنه و بدون عمامه حاضر شد تا رفتار پیشین خویش را جبران نماید.^{۲۴} وی از بزرگان موثق ایرانی بود که درباره کلام اسلامی، آثاری ارزشمند به نگارش درآورده است؛ از جمله کتاب التبصره (اصول عقاید و کلام)، الاحتجاج، أحادیث الجن و ابلیس،^{۲۵} و الارکان.^{۲۶} با توجه به این آثار، باید گفت که وی متکلم بوده و احتمالاً باید مناظراتی هم داشته است. تاریخ وفات احمد بن ابی‌عبدالله به طور دقیق مشخص نیست و در این مورد بین تاریخ‌نگاران نظریات یکسانی وجود ندارد. نجاشی وفات او را در سال ۲۷۴ قمری می‌داند و علی بن محمد ماجیلویه سال ۲۸۰ قمری.^{۲۷}

۳. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی

^{۱۹}. همان، ص ۳۹۸.

^{۲۰}. سید حسین قریشی، اصحاب ایرانی ائمه اطهار (علیهم السلام)، ص ۲۵۵.

^{۲۱}. رجال نجاشی، ص ۷۶؛ ابن داوود حلی، الرجال، ص ۴۳.

^{۲۲}. محمدعلی مدرس، ریحانه الادب، ص ۲۵۵.

^{۲۳}. خویی، همان، ج ۲، ص ۳۲.

^{۲۴}. طوسی، همان، ص ۶۲؛ حلی، همان، ص ۶۳.

^{۲۵}. نجاشی، همان، ص ۷۷-۷۶.

^{۲۶}. ابن شهر آشوب، همان، ص ۹.

^{۲۷}. نجاشی، همان، ص ۷۷؛ خویی، ج ۲، همان، ص ۲۶۴.

(تاریخ وفات نامشخص: سال ۲۷۴ قمری در قید حیات بوده است)

شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام جواد (ع) معرفی کرده است.^{۲۸} او از خاندان بنی ذخران بن عوف بن الجماهر بن الاشعر، مکنی به اباجعفر بود. نخستین کس از اجدادش که ساکن قم شد سعد بن مالک بن الاحوص بود. برخی از اصحاب نسب او را از اشاعره ذکر کرده‌اند: أحمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک بن هانی بن عامر بن اُبی عامر اشعری. او از بزرگان

ص: ۳۱۴

و شیوخ قم و از فقهای آن‌ها به شمار می‌رفت و رئیس کسانی بود که با حاکم قم دیدار کردند. احمد بن محمد با امام رضا (ع)، امام جواد (ع) نیز ملاقات کرده است.^{۲۹} او از جمله فقهای بود که سلطان قم در امور زمین‌های زراعتی اهل قم به او رجوع می‌کرد.^{۳۰} در میان راویان وی می‌توان به این اسامی اشاره کرد: سعد بن عبدالله اشعری، علی بن ابراهیم قمی، داوود بن کوره قمی، محمد بن یحیی عطار، احمد بن ادريس اشعری، محمد بن حسن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری و حمید بن زیاد.^{۳۱} احمد بن محمد گروهی از اشعریان قم مانند محمد بن علی صیرفی و سهل بن زیاد آدمی را به غلو متهم کرد و به سبب نفوذی که داشت، آنان را از این شهر به ری تبعید کرد.^{۳۲} کتاب التوحید تنها تألیف او در زمینه کلام است.^{۳۳} این کتاب را نجاشی با چهار واسطه از وی روایت کرده است.^{۳۴} همان‌طور که از نام این کتاب مشخص می‌شود، این کتاب در اثبات یگانگی خداوند به نگارش درآمده است.

۴. احمد بن داوود بن سعید الفزاری (متوفی ۲۷۵ ق)

^{۲۸}. طوسی، همان، ص ۴۰۹ و ۳۷۹.

^{۲۹}. رجال نجاشی، ص ۸۲-۸۱؛ طوسی، فهرست، ص ۴۶-۴۷.

^{۳۰}. حسین بن یوسف حلی، خلاصه الاقوال، ص ۶۲.

^{۳۱}. احمد ابوغالب زاری، رساله فی ذکر آل اعین، ص ۱۵۹؛ نجاشی، فهرست، ص ۸۲-۸۳؛ طوسی، فهرست، ص ۲۵، ۱۱۸.

^{۳۲}. رحیم ابوالحسنی، عالمان شیعه، ج ۱، ص ۸۴-۸۳.

^{۳۳}. نجاشی، رجال، ص ۸۲.

^{۳۴}. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۴۷۷.

کنیه او ابایحیی جرجانی بود. ابن شهر آشوب او را اصحاب امام جواد (ع) می‌داند. ۳۵ تولد او در عصر امام جواد (ع) (۲۲۰ ق) بوده و تقریباً در اواخر سده دوم اتفاق افتاده است. از نسبت «جرجانی» بر می‌آید که وی اصالتاً ایرانی و پرورش یافته گرگان بود، اما نسبت او به «فزاری»، از آن روست که وی احتمالاً در

ص: ۳۱۵

سفرش به عراق، با قبیله «فزاره» در کوفه پیوند و ارتباط داشته است. ۳۶ احمد بن داوود در اصل از محدثان اهل سنت و جماعت و به عقیده ایشان بود که پس از تحقیق و بررسی، با عنایت الهی به مذهب حق روی آورد. ۳۷ وی پیش از شیعه شدنش، بر مذهب «حشویه» و «ظاهریه» بوده است. ۳۸ وی کتاب‌های زیادی در دفاع از مذهب شیعه، نگاشت. وی با نوشتن کتاب‌های متعددی در فقه و اعتقادات و به ویژه در برابر فرقه‌های انحرافی «حشویه»، «مرجئه» و «قدریه» به اهداف خود دست یافت. ۳۹ به واسطه مخالفتی که او با جمعی از محدثان اهل سنت در تصحیح بعضی از احادیث نبویه داشت، بر او معترض شدند و نزد محمد بن طاهر که از حاکمان عصر بود از او سعایت نمودند و او حکم به شلاق زدن و کشتن او نمود و در آخر «مسلم» که یکی از اکابر محدثان بود، گواهی داد که حق به جانب احمد است و دیگران به واسطه رعایت طرف دیگر کتمان شهادت نمودند و او تبرئه شد. کتب کلامی احمد بن داوود عبارتند از: کتاب خلافه عمر بروایه الحشویه (در بیان مذهب حشویه و فضایح آن)، الرد علی الاخبار الکاذبه (در تکذیب روایاتی که درباره فضایل خلفای سلف نقل شده)، الغوغا من اصناف الامه من المرجئه و القدریه و الخوارج، التفویض، انبساط الحشویه، الرد علی الحنبلی، الرد علی السجری فی نکاح السكران، ۴۰ و الصهاکی (در فضایح حشویه). ۴۱ ابایحیی جرجانی در مقابله با فرقه انحرافی حشویه، اقدامات مهمی انجام داده و در این زمینه به نگارش آثار ارزشمندی مبادرت ورزیده است. فرقه حشویه یکی از فرق افراطی اهل سنت هستند و به جایگاه عقل در معارف اسلامی بی‌اعتنا بوده، این نظریات را بدعت می‌دانند. ۴۲ این عده برای یاری رساندن به عقاید باطل

۳۵. محمد کاظم قزوینی، الامام الجواد من المهدی الی اللحد، ص ۱۲۳.

۳۶. ابوالحسینی، همان، ج ۱، ص ۶۴.

۳۷. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۲۴.

۳۸. ابوالحسینی، همان، ج ۱، ص ۶۷.

۳۹. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۶۶.

۴۰. شوشتری، همان، ج ۱، ص ۴۲۴؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۱۹-۱۸.

۴۱. طهرانی، مصنفات شیعه، ج ۴، ص ۴۳۰.

۴۲. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۳۶.

خویش به جعل حدیث روی آورده، جعل حدیث را وسیله‌ای برای هدف خود انگاشته بودند. ۴۳ صاحبان عقاید خاص افراطی مؤسسان اولیه این فرقه محسوب می‌شوند. آن‌ها به مجلس درس حسن بصری حاضر می‌شدند و به وی اشکال می‌نمودند و حسن بصری نیز ایشان را به حاشیه مجلس خود رانده بود و از این جهت به حشویه معروف شدند. ۴۴ نویسندگان عقاید، افرادی مانند مضر، کهمس و احمد هیجی، از رؤسای مشبهه را به عنوان حشویه معرفی می‌کنند. ۴۵ کتاب استنباط الحشویه توسط نجاشی از شیخ کشی روایت شده است. ۴۶ ابایحیی این کتاب را در رد بر حشویه و بعد از آن که به تشیع گروید، به نگارش درآورده است. ۴۷

۵. حسن بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران الاهوازی (وفات: نامشخص)

شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد (ع) معرفی کرده است. ۴۸ حسن مقلب به ابومحمد اهوازی و جد او مهران، از موالی امام سجاد (ع) بود. ۴۹ سعید پدر حسن به دندان شهرت داشت. ۵۰ و حسن اصالتاً اهل کوفه بود و به اهواز منتقل شد و از اهواز به قم رفت و بر حسن بن ابان وارد شد. ۵۱ وی سی جلد کتاب با مشارکت برادرش حسین نگاشته است. ۵۲ حسن بن سعید - که به قرینه تقدم طبقه روایی او بر حسین، احتمالاً برادر بزرگ‌تر وی بوده از کسانی چون صفوان بن یحیی (متوفی ۲۱۰ ق)، ابراهیم بن محمد خزّار، زُرْعَه بن محمد حَضْرَمی و عبدالله بن مغیره (زنده تا ۱۸۳ ق) حدیث نقل کرده است و برخی مانند احمد بن

۴۳. شوشتری، الصوارم المهرقه، ص ۱۰۹.

۴۴. ابوالمعالی محمود شکری الآلوسی، مسائل الجاهلیه، ج ۱، ص ۱۸۲.

۴۵. عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴۶. الذریعه، ج ۲، ص ۳۴.

۴۷. جعفر سبحانی، معجم التراث الکلامی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴۸. طوسی، رجال، ص ۳۹۹.

۴۹. همان، ص ۹۰؛ نجاشی، رجال، ص ۵۸.

۵۰. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۲۷.

۵۱. عالمی دامغانی، همان، ج ۱، ص ۳۷۵.

۵۲. رجال نجاشی، ص ۵۸.

محمد بن عیسی (متوفی ۲۸۰ ق)، بکر بن صالح و برادرش حسین بن سعید از او حدیث روایت کرده‌اند. ۵۳ وی عبدالله بن محمد حنینی و غیر او را به حضور امام رضا (ع) بُرد و موجب گردید که شیعه شوند. ۵۴ کشی گوید: «حسن بن حماد، اسحاق بن ابراهیم حنینی و علی بن الریان را نزد امام رضا (ع) معرفی کرد و آن‌ها توانستند منشأ خدمات ارزنده‌ای شوند». ۵۵ تنها کتابی که در زمینه کلام اسلامی توسط حسن بن سعید به نگارش درآمده کتاب الرد علی الغلاة است. ۵۶ غلات از تظاهرکنندگان به اسلام بودند و به امیرمؤمنان (ع) و امامان دیگر نسبت خدایی می‌دادند و آنان را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که از اندازه خارج شدند و از مرز اعتدال فراتر رفتند. ۵۷ در هر دوران غالیانی وجود داشته‌اند و در نتیجه، کسانی به مخالفت با آن‌ها پرداخته‌اند. به همین جهت، در این دوران کتاب‌های با عنوان ردّ بر غلات نوشته شد؛ زیرا غالیان با اعتقادات خود، به ارکان مهم اسلام خدشه وارد می‌کردند.

۶. حسین بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران الاهوازی (متوفی حدود ۲۵۷ ق)

شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد (ع) معرفی کرده است. ۵۸ حسن مقلب به ابومحمد اهوازی و جد او مهران از موالی امام سجاد (ع) بوده است. تاریخ ولادت حسین سال ۱۸۰ قمری تعیین شده است. احمد پسر حسین مقلب به دندان و متهم به غلو بود. ۵۹ حسین و برادرش حسن، از کوفه به اهواز رفتند. پس از مدتی، حسین به قم مهاجرت کرد و در آن‌جا سکنا گزید. میزبان او در قم حسن بن ابان قمی بود. حسین بن سعید در قم درگذشت. سال درگذشت او

ص: ۳۱۸

مشخص نیست، ولی گفته‌اند که تا ۲۵۴ قمری زنده بوده است. ۶۰

کتاب الرد علی الغلات، تنها کتاب کلامی به شمار می‌آید که وی به نگارش درآورده است. ۶۱ از آن‌جایی که وی کتب خود را مشترک با برادرش حسن به نگارش درمی‌آورد، احتمالاً این همان کتابی است که به نام برادرش هم ثبت شده است.

۵۳. ابن‌داوود حلی، کتاب الرجال، ج ۱، ص ۱۰۸؛ خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴۵ و ۳۴۸.

۵۴. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۶۶

۵۵. حلی، همان، ص ۶۷؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۷.

۵۶. رجال نجاشی، ص ۵۸.

۵۷. حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۰.

۵۸. رجال طوسی، ص ۳۹۹.

۵۹. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۳۷.

۶۰. ابن‌ندیم، الفهرست، ج ۱، ص ۲۷۷؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۴۹؛ جعفر سبحانی، اشراف، ج ۳، ص ۲۲۰.

۷. علی بن عبدالله قمی، العطار (وفات: نامشخص)

وی از جمله اصحاب امام جواد (ع)، ۶۲ کنیه او ابوالحسن العطار، قمی و مورد اعتماد است. ۶۳ در آثار تاریخی گزارشی درباره زندگی نامه این شخصیت وجود ندارد. تنها کتابی که وی در زمینه کلام به نگارش درآورده الاستطاعة علی مذاهب أهل العدل است. ۶۴ این کتاب را نجاشی با چهار واسطه روایت کرده است. ۶۵

۸. علی بن مهزیار دورقی اهوازی (متوفی ۲۵۴ ق)

علی بن مهزیار از یاران امام رضا (ع) و امام جواد (ع) به شمار می آید که ۳۳ جلد کتاب به نگارش درآورده است. ۶۶ کنیه او ابوالحسن، دورقی الاصل و پدرش نصرانی بود. ۶۷ سال تولد وی را ۱۸۳ قمری تخمین زده اند. ۶۸ پدرش بعداً دین اسلام را پذیرفت و خود علی بن مهزیار در کودکی از نصرانیت به اسلام روی

ص: ۳۱۹

آورد و تفقه می نمود. ۶۹ او در اصل اهل هندوکان قریه ای از روستاهای فارس بود و ساکن اهواز شد. ۷۰ روایات بسیاری از او در کتب اربعه شیعه و دیگر کتب روایی مانند بحارالانوار وجود دارد. او یکی از مدافعان سیاسی و اعتقادی مذهب شیعه بود؛ چنان که کتاب های او در ردّ بر غلات و علی بن اسباط - که در آغاز فردی «فطحی المذهب» بود - گواه بر این مطلب است. ۷۱ از جمله تألیفات کلامی علی بن مهزیار، فضائل، الرد علی الغلات، فضائل المؤمنین و نزّه و رسائل علی بن اسباط است. ۷۲

^{۶۱}. الفهرست، ص ۴۰۶.

^{۶۲}. فهرست طوسی، ص ۴۰۴.

^{۶۳}. رجال نجاشی، ص ۲۵۴.

^{۶۴}. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۸۶؛ نجاشی، همان، ص ۲۵۴.

^{۶۵}. الذریعه، ج ۲، ص ۲۷.

^{۶۶}. ابن دواود، کتاب الرجال، ص ۱۴۲؛ طوسی، رجال، ص ۴۳۰.

^{۶۷}. فهرست طوسی، ص ۲۳۱.

^{۶۸}. عالمان شیعه، ج ۱، ص ۲۵۲.

^{۶۹}. مدرس، ریحانه الادب، ج ۸، ص ۲۳۹؛ اردبیلی، جامع الرواه، ج ۱، ص ۶۰۴.

^{۷۰}. طوسی، ج ۲، ص ۸۲۵؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۲۳.

^{۷۱}. عالمان شیعه، ج ۱، ص ۲۵۴.

^{۷۲}. رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

از موارد قابل توجه در مورد علی بن مهزیار می‌توان به مناظرات علمی او با پیروان مذاهب مختلف اشاره کرد که در جای خود برای پی بردن به مقام علمی و معنوی او قابل تأمل است. در ذیل به یکی از این موارد اشاره می‌شود:

نجاشی در اثر خود آورده که علی بن اسباط مذهب فطحی داشت روزی علی بن مهزیار با او در مورد مذهب فطحی مناظره انجام داد. دو طرف بعد از بحث و گفت‌گو و در پایان بحث به نتیجه‌ای نرسیدند. آنان به امام محمدتقی (ع) مراجعه نمودند در نتیجه با حمایت امام تقی (ع) علی بن اسباط از دین و عقیده خویش برگشت و مذهب فطحی را ترک گفت از آن پس به جرگه علمای شیعه پیوست. او قبلاً از امام رضا (ع) روایت کرده و از موثق‌ترین مردم و صادق‌ترین آن‌ها در لهجه بود. کتاب‌های الدلائل و التفسیر المزار و کتاب النوادر از اوست. ۷۳

علی بن مهزیار تا زمان غیبت صغرا زنده بوده و به ملاقات امام مهدی (عج) مشرف شده است. ۷۴ سال وفات وی ۲۵۴ قمری بود. امروزه آرامگاه وی در شهرستان «جاجرم» از بلاد خوزستان معروف است و گنبد و بارگاه دارد. ۷۵

ص: ۳۲۰

۹. محمد بن خالد بن عبدالرحمان برقی قمی (متوفی احتمالاً ۲۲۰ ق)

وی از جمله یاران امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بود. ۷۶ وی غلام ابوموسی اشعری منتسب به برق‌رود (روستایی از سواد) قم بود. ۷۷ بعد از این‌که محمد بن علی، جد اعلای برقی از مردم کوفه، به دلیل شرکت در قیام زید بن علی بن الحسین به دستور یوسف بن عمر ثقفی حاکم کوفه، دست‌گیر و کشته شد، عبدالرحمان همراه فرزند خردسالش از کوفه گریخت و روانه قم شد. ۷۸ گاهی او را در مقابل پسرش احمد به کبیر موصوف داشته و برقی کبیر گویند. ۷۹ وی از مشاهیر حدیث، از جمله ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان، فضالة بن ایوب، سعد بن سعد اشعری، محمد بن سنان و حماد بن عیسی روایت کرده و شماری از راویان مثل ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد برقی

۷۳. ابن زیدالدین، تحریرالطاووسی، ص ۳۶۲.

۷۴. الامام الجواد (ع) من المهد الی اللحد، ص ۲۷۰.

۷۵. عالمان شیعه، ج ۱، ص ۲۵۳.

۷۶. رجال طوسی، ص ۴۰۴.

۷۷. منتهی الامال، ج ۲، ص ۷۸.

۷۸. رجال نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ یاقوت حموی، معجم‌الادباء، ج ۴، ص ۱۳۲.

۷۹. مدرس، همان، ج ۱، ص ۲۵۱.

و حسین بن سعید اهوازی، از وی اخذ حدیث کرده‌اند. ۸۰ ابن ندیم کنیه او را ابوالحسن معرفی کرده است. کتاب‌های فی علم الباری، التبصره و الاحتجاج از جمله آثار کلامی محمد برقی است. ۸۱

۱۰. محمد بن الولید خزار کرمانی (وفات: نامشخص)

وی از جمله اصحاب و راویان امام جواد (ع) و از متکلمان بزرگ شیعه به شمار می‌رفت که در این باب به نگارش اثر نیز دست زد. ۸۲ وی در زمینه کلام کتاب الايضاح فی الاصول الدّین و احقاد الامیه را نگاشت. ۸۳ همان‌گونه که از عنوان

ص: ۳۲۱

آن مشخص است، این کتاب دلایل و برهان‌های مربوط به اصول دین است.

۱۱. یعقوب بن اسحاق سکّیت (متوفی ۲۴۴ ق)

ابویوسف از اصحاب امام جواد (ع) و از بزرگان در ادبیات عربی و لغت بود. ۸۴ بیش‌تر علمای رجال محل تولد ابن سکّیت را در خوزستان (دورق) و در سال ۱۸۶ قمری می‌دانند. ولی دهخدا مولد او را بغداد ذکر کرده است. ۸۵ سکّیت لقب اسحاق، پدر او بود. یعقوب را به این دلیل ابن سکّیت (فرزند بسیار سکوت‌کننده) خواندند. ۸۶ وی در زمینه کلام کتابی به نام الفرق دارد. این کتاب در اندلس معروف بود و از مصادر کتاب المخصّص ابن سبیده و الصغانی در التکمله بوده است. فهری نیز در کتاب تحفه المجدالصریح از آن روایت نقل کرده است. نسخه‌ای از این کتاب در قاهره موجود است. ۸۷ همان‌گونه که از عنوان این کتاب مشخص می‌شود، این کتاب دربردارنده فرقه‌های اسلامی است.

روایات در مورد چگونگی وفات ابن سکّیت متفاوت است. برخی می‌گویند: او به سبب شیعه بودنش کشته شده است. سبب قتل آن بود که او تربیت‌کننده اولاد متوکل بود. روزی متوکل از او پرسید: «دو پسر من معتز و مؤید نزد تو بهترند

^{۸۰}. محمد مهدی بحر العلوم، رجال السید، ج ۳، ص ۲۷۰ ۲۶۹؛ خویی، همان، ج ۱۶، ص ۶۵ ۶۳، ۳۵۴ ۳۶۹، ج ۲۱، ص ۲۲۰ ۲۱۸؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۷۴؛ کشی، رجال، ص ۵۴۶.

^{۸۱}. الفهرست، ص ۴۰۵-۴۰۴.

^{۸۲}. عزیرالله عطاردی، مسند امام جواد (ع)، ص ۳۲۸؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۹۸.

^{۸۳}. ابن شهر آشوب، همان، ص ۹۸.

^{۸۴}. رجال نجاشی، ص ۴۴۹.

^{۸۵}. سید حسن قریشی، همان، ص ۲۵۳.

^{۸۶}. حسین صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۱۵۵.

^{۸۷}. فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۳۹.

یا حسن و حسین؟» این سکیت شروع کرد به نقل فضایل حسنین (ع)، متوکل امر کرد به غلامان ترک خود تا او را در زیر پای خود افکندند و شکمش را بمالیدند، سپس او را به خانه‌اش بردند و در فردای آن روز شهید شد. و به قولی در جواب متوکل گفت: «قنبر خادم علی (ع) بهتر است از تو و پسرانت.» متوکل امر کرد تا زبانش را از قفا بیرون کشیدند و او را این سکیت می‌گفتند به جهت کثرت سکوت او. ۸۸.

ص: ۳۲۲

۱۲. محمد بن عبدالله حمیری قمی (وفات نامشخص - زنده تا سال ۳۰۸ ق)

ابوجعفر قمی، ثقه و از بزرگان قم بود. ۸۹ او از جمله اصحاب و راویان امام رضا (ع) و امام جواد (ع)، و امام هادی (ع) به شمار می‌رفت ۹۰ و کاتب امام زمان (عج) بود. ۹۱ مجموع مطالبی که این محدث بزرگ شیعه از امام عصر (ع) سؤال کرد، حدود ۶۷ سؤال است که بر ابواب مختلف فقه و مسائل دینی نظارت دارد. وی در سه نوبت خدمت امام نامه فرستاد و آخرین نامه‌اش در تاریخ ۳۰۸ قمری بود. مراجع شیعه به این روایات و جواب‌های امام از روزگار صدور تا عصر ما مراجعه می‌کنند و اصحاب فتوا، مطابق این روایات و سؤالات فتوا می‌دهند. این نیز جلوه‌ای دیگر از شخصیت محمد بن عبدالله است. ۹۲ از اساتید وی می‌توان به پدرش عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن محمد بن خالد برقی اشاره کرد. ۹۳ علی بن حسین بن شاذویه، احمد بن هارون، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی و حسن بن حمزه علوی حسینی طبری نیز از شاگردان وی بوده‌اند. ۹۴ وی در زمینه کلام اسلامی کتاب الاحتجاج را به نگارش درآورد. ۹۵ همان‌گونه که از عنوان این کتاب آشکار است، این کتاب بیش‌تر دربردارنده دلایل و برهان‌هایی است که وی در دفاع از تشیع انجام داده است. از این کتاب اثری بر جای نیست.

نتیجه

^{۸۸}. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۰۴.

^{۸۹}. رجال نجاشی، ص ۳۵۴.

^{۹۰}. شوستری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۳۷.

^{۹۱}. محمد بن علی اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۴۰.

^{۹۲}. ابی منصور طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۹.

^{۹۳}. شیخ طوسی، امالی، ج ۷، ص ۹، ۲۲، ۲۰۳، ص ۴۲.

^{۹۴}. نجاشی، ص ۵۶؛ صدوق، ص ۸۸، مامقانی، ج ۳، ص ۹۹.

^{۹۵}. نجاشی، ص ۳۵۵.

اصحاب ایرانی امام جواد (ع) فعالیت چشم‌گیری در زمینه کلام داشته و توانسته‌اند آثاری بیافرینند و به مناظرات کلامی بپردازند. در این زمان امام زیر نظر حکومت وقت بودند و نمی‌توانستند با مردم ارتباط برقرار کنند، اما شاگردان

ص: ۳۲۳

ایرانی از مناطق مختلف ایران به خدمت امام می‌رسیدند و به فراگیری مبانی ناب تشیع می‌پرداختند. آثاری که این افراد به نگارش درآورده و مناظراتی که انجام داده‌اند، نشان می‌دهد اوضاع اجتماعی - سیاسی، در موضوع آثار و مناظرات آن‌ها دخیل بوده است؛ زیرا در این زمان از یک‌سو فعالیت گسترده غالیان، مرجئه، قدریه، واقفه، حشویه، فطحیان و جنبش خردگرایی معتزله (مسأله خلق قرآن) را شاهدیم و از سوی دیگر می‌بینیم که آنان به مسأله امامت و غیبت توجه داشته‌اند آثار به نگارش درآمده و نیز مناظرات صورت گرفته، بیش‌تر در این موضوعات است. مسأله دیگر این‌که این مناظرات، نه تنها موجب تثبیت تشیع می‌شد، بلکه بیش‌تر مواقع باعث می‌گردید تا طرف مقابل به مذهب تشیع درآید. پس این یاران، با نگارش آثار کلامی، به مبارزه با فرق انحرافی پرداختند و با ایجاد مناظره‌های کلامی، در دفاع از حقانیت تشیع سعی بلیغی به عمل آوردند و توانستند مکتب تشیع را در مناطق مختلف ایران از خطر انحراف و نابودی نجات دهند.

ص: ۳۲۴

منابع

ابن داوود حلّی (۱۳۴۲ ش)، کتاب الرجال، ج ۱، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران.

ابن داوود، حسن بن علی (۱۳۹۲ ق). الرجال، نجف، ناشر حیدریه.

ابن زیدالدین، الشیخ حسن صاحب‌المعالم (۱۴۱۱ ق)، تحریر الطاووسی، تحقیق: فاضل الجواهری، الطبعة: الاولى، قم: نشر: مکتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.

ابن سیده، ابی الحسن علی بن اسماعیل (بی‌تا)، المخصّص، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۶)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات الاسلامیه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی سروی، (۱۳۵۳ ق)، معالم العلماء، تهران.

- (بی تا)، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، قم: ناشر مطبعه العلمیه.

ابن ندیم، محمدابن اسحاق (۱۳۴۶ ق). فهرست، ترجمه رضا تجدد، بی جا، بی نا.

ابوالحسینی، رحیم (۱۳۸۴)، عالمان شیعه، ج ۱، قم: ناشر شیعه شناسی.

ابو غالب زاری، احمد (۱۴۱۱ ق)، رساله فی ذکر آل اعین، به کوشش محمدرضا حسینی، قم.

اردبیلی الغروی حائری، محمدبن علی (۱۴۰۳ ق)، جامع الرواة، قم، مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

بحرالعلوم، محمد مهدی بن مرتضی (۱۳۶۳ ش)، رجال السید بحرالعلوم: المعروف بالفوائد الرجالیة، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران.

حسینیان مقدم، حسین و داداش نژاد و دیگران (۱۳۸۴)، تاریخ تشیع ۲، قم: ناشر سمت.

ص: ۳۲۵

حلی، حسین بن یوسف (۱۴۱۷ ه ق)، خلاصة الاقوال، نشر الفقاهة.

- (۱۴۲۲ ق)، خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، ناشر الفقاهه.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۰۳ / ۱۹۸۳)، معجم رجال الحديث، بیروت.

- (۱۴۱۳ ه ق)، معجم رجال الحديث.

- (بی تا)، معجم الرجال الحديث، ج ۱ و ۲، قم: انتشارات مدينه العلم آیه الله العظمی خویی.

دوانی، علی (۱۳۶۳ ش)، مفاخر اسلام، ج ۱، تهران: ناشر امیرکبیر.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ ه -)، معجم التراث الکلامی، قم: مؤسسه الامام الصادق.

- (۱۴۲۴ ۱۴۱۸)، اشراف، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۳، قم: مؤسسه الامام الصادق.

سزگین، فؤاد (۱۴۱۲)، تاریخ التراث العربی، ج ۱ و ۲ و ۸، قم: مکتبه الله العظمی مرعشی نجفی.

شکری الألوسی، أبوالمعالی محمود (۱۴۲۲)، مسائل الجاهلیه آلتی خالف فيها رسول الله أهل الجاهلیه، بی جا، بی نا.

شهرستانی، عبدالکریم (۱۴۰۴)، الملل و النحل، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه.

شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۶۵)، مجالس المؤمنین؛ قم: ناشر اسلامیه.

- (۱۳۶۷)، الصوارم المهرقه، تهران: انتشارات چاپخانه نهضت.

شیخ صدوق، (۱۴۰۰ ق) امالی، به کوشش حسین اعلمی، بیروت: بی نا.

صابری، حسین (۱۳۸۶) تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، تهران: ناشر سمت.

صدر، حسن (۱۳۷۵ ش)، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، تهران: اعلمی.

طبرسی، ابی منصور (۱۴۱۳) احتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و محمدادی، قم: انتشارات اسوه.

طهرانی، آقا بزرگ (۱۳۷۶)، مصنفات شیعه (ترجمه و تلخیص الذریعه)، به اهتمام محمدآصف فکرت، مشهد: ناشر آستان قدس رضوی.

طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ ق)، الذریعه التصانیف الشیعه، قم: ناشر اسماعیلیان.

ص: ۳۲۶

طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الامالی، قم.

- (بی تا)، فهرست، ناشر مکتبه المرتضویه، بی جا.

- (۱۳۴۸ ش)، اختیار معرفة الرجال، چاپ حسن مصطفوی، مشهد.

- (۱۴۰۴ ق)، اختیار المعرفة الرجال (رجال الکشی)، ج ۲، ناشر آل بیت.

- (۱۴۱۷ ه ق)، فهرست، نشر الفقاهة.

(۱۴۲۰)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ج ۱، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم.

- (۱۳۸۰ ق)، رجال، نجف: ناشر الحیدریه.

عالمی دامغانی، محمدعلی (۱۳۷۱) شاگردان مکتب ائمه (علیهم السلام)، ج ۱، قم: ناشر مؤلف.

عطاردی، عزیزالله (۱۴۱۰ ق)، مسند امام جواد (ع)، قم: ناشر التمرالعالمی للامام الرضا (ع).

قرشی، باقرشریف (۱۳۷۱)، زندگانی امام هادی (ع)، ترجمه سیدحسن اسلامی، قم: انتشارات اسلامی.

قریشی، سیدحسن (۱۳۸۶ هـ-)، اصحاب ایرانی ائمه اطهار (علیهم السلام)، قم: ناشر آشیانه مهر.

قزوینی، محمدکاظم (۱۴۱۴ ق)، الامام الجواد من المهد الى اللحد، قم: ناشر مؤسسه الرساله.

قمی، شیخ عباس (۱۳۱۹ ق)، منتهی الآمال، ج ۱، قم: ناشر الاسلامی.

- (۱۳۷۶ ق)، الکنی و الألقاب، ج ۲، ناشر المطبعة الحیدریه.

مماقانی، عبدالله (۱۳۴۹)، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲ و ۳، نجف: بی نا.

مدرس، محمدعلی تبریزی (۱۳۷۴ هـ-)، ریحانه الأدب، ج ۱، شرکت سهامی طبع کتاب.

- (۱۳۶۹ ش)، ریحانة الادب، تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

ص: ۳۲۷

معتزلی، ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، ج ۶، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم.

- (۱۴۱۶)، رجال نجاشی، قم: جامعه مدرسين.

- (۱۴۱۸ ق)، رجال، قم: ناشر الاسلامی.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۲۱ / ۱۳۱۸ - ۱۹۴۰ / ۱۹۰۰)، مستدرک الوسائل، تهران.

یاقوت حموی (بی تا)، معجم الادباء، بیروت.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و

فرهنگی. ۹۶

ص: ۳۲۸

^{۹۶} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.